

دو تا ۱۲۷	تعلیم ۳۱
T = معلم ۱	S = معلم ۲
یک شاگرد از کار خدا بوسیله شریعت اطلاع دارد - قسمت دوم	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی شما یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید. این دومین روزی است که دو معلم کار خدا از طریق شریعت را توضیح می دهند. در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در دفترچه خود ، یادداشت بردارید یا آنرا ضبط کنید. عنوان تعلیم امروز این است: یک شاگرد از کار خدا بوسیله شریعت اطلاع دارد - قسمت دوم. ما به بررسی معنی ده فرمان ادامه می دهیم و دیدگاه عهد جدید درباره شریعت را مطالعه خواهیم کرد.

(S) **فرمان چهارم می گوید،** " روز سبت را به یاد داشته باشد و آن را مقدس بدار " فرمان چهارم حکمت استفاده از یک روز در هفته را برای استراحت، مشارکت و خدمات سازنده، توضیح می دهد. **یک. عهد عتیق تعلیم می دهد.** در خروج ۲۳: ۱۲ ما می خوانیم، " شش روز کار کنید و در روز هفتم استراحت نمایید تا غلامان و کنیزان و غریبانی که برایتان کار می کنند و حتی چهار پایانتان بتوانند استراحت نمایند. " در اینجا مقصود از یکروز استراحت در هفته استراحت کردن و تر و تازه شدن می باشد. در لاویان ۲۳: ۳ ما می خوانیم، " در روز سبت نیز که هفتمین روز هفته می باشد قوم باید برای عبادت من جمع شوند. " در اینجا هدف از یک روز استراحت در هفته داشتن فرصت برای ملاقات ایمانداران دیگر در یک جمع مقدس است. **دو. تعلیم غلط رهبران مذهبی یهودی.** در عهد جدید معلمین مذهبی یهودی فرمان چهارم را در زیر فهرستی از ۳۹ عملی که نباید در سبت انجام داد دفن کردند. آنها دستور دادند در روز سبت کسی نباید بکار یا درو کند یا غذا بپزد یا چیزی را در سبت حمل کند. آنها فرمان خدا را کنار گذاشته بودند تا سنت های مذهبی انسانی احمقانه خود را حفظ کنند (مرقس ۷: ۹). **سه. تعلیم درست عیسی.** دیدگاه عیسی از سبت بگونه ای دیگر است. در مرقس ۲: ۱۸-۲۲ او تأکید می کند که کسانی که در حضور او زندگی می کنند باید به جای ماتم و روزه داری، شادی کنند و بجای سوگواری ، جشن بگیرند. در مرقس ۲: ۲۸ عیسی می گوید، " من صاحب اختیار روز شنبه هستم. " او بر همه چیز اقتدار دارد و می تواند اصولی را که بر روز شنبه تسلط دارند تغییر دهد. عیسی مسیح با آمدنش نظم نوینی را آغاز کرد. روزهای روزه و سبت متعلق به نظم کهنه بود. **هدف اول** از سبت ، آرامی گرفتن از کارهای عادی بود. در مرقس ۲: ۲۳-۲۷ عیسی می گوید، " روز شنبه برای استراحت انسان بوجود آمد نه انسان برای روز شنبه " همچنانکه خدا بعد از کار خلقتش استراحت کرد، مردم بعد از ۶ روز کار باید یک روز استراحت کنند و تر و تازه شوند. **هدف دوم** از سبت ، جمع شدن با هم برای پرستش خدا است. لاویان ۲۳: ۳ تعلیم می دهد که ایمانداران باید در روز آرامی، برای تشکیل جماعتی مقدس با هم جمع شوند. اشعیا ۵۶: ۶ تعلیم می دهد که ایمانداران باید در روز آرامی، خدا را محبت و خدمت نمایند. عبرانیان ۴: ۹-۱۰ تعلیم می دهد که مسیحیان باید با شادی ، آن روز آرامی جاودانی را که در آمدن ثانویه مسیح آغاز می شود انتظار بکشند. **هدف سوم** از سبت ، انجام کارهای خوب است. در مرقس ۳: ۱-۵ عیسی می پرسد: " بنظر شما روز شنبه برای چیست؟ برای خوبی کردن است یا بدی کردن؟ برای نجات دادن جان است یا هلاک ساختن آن؟ " اشعیا ۵۸: ۶-۱۴ تعلیم می دهد که بخصوص در روز آرامی، ایمانداران باید زنجیرهای ستم را بشکنند و مردم را از اسارت هایشان آزاد کنند، به گرسنگان غذا دهند و فقیران را با لباس بپوشانند و به جفا دیدگان و اسیران توجه کنند. اشعیا ۵۸ قبلا نشان داد که جنبه تشریفاتی فرمان چهارم جای خود را به اصولی حکیمانه بخشیده است. بعدها مسیحیان این اصول حکیمانه را در روز آرامی خود که اولین روز هفته بود ، بکار بردند زیرا آنها قیام عیسی مسیح را هم در آن روز بیاد می آوردند (اعمال ۲۰: ۷، اول قرن نین ۱۶: ۲).

(T) **فرمان پنجم می گوید،** " پدر و مادرت را احترام کن ". فرمان پنجم نظم زندگی خانوادگی را حفظ می کند و به همه مردم دستور می دهد تا به والدینشان احترام بگذارند. قانون جزایی عهد عتیق گناهکاران را به شدت مجازات می کرد. هر کس که به پدر یا مادرش حمله می کرد یا آنها را لعنت می کرد باید کشته می شد (خروج ۲۱: ۱۷، ۱۵). یک پسر لجباز و عصیانگر که از والدینش اطاعت نمی کرد و وقتی او را تنبیه می کردند باز به آنها گوش نمی داد یا اگر شخص مشروب خوار، بی ملاحظه و فاسدی بود باید سنگسار می شد (تثنیه ۲۱: ۱۸-۲۱). عهد عتیق، حکمرانان، انبیاء و معلمین را هم پدر محسوب می کرد (پیدایش ۴۵: ۸، دوم پادشاهان ۲: ۱۲). و مردی که به یک قاضی یا کاهن بی احترامی نشان دهد باید کشته می شد (تثنیه ۱۷: ۱۲). اما عهد جدید کشتن مردم به دلایل بالا را قذغن می کند چون قانون جزایی قوم اسرائیل برای مردم در عهد جدید کاربرد ندارد. در عهد جدید هم ، وقتی فرزندان هنوز زیر سن قانونی هستند و به والدینشان متکی می باشند باید از پدر و مادرشان در مواردی که خلاف کتاب مقدس نیست اطاعت کنند (کولسیان ۳: ۲۰، افسسیان ۶: ۱-۱۳).

(S) **فرمان ششم می گوید،** " قتل نکن ". فرمان ششم بر تقدس زندگی تأکید می کند و کشتن عمدی انسانها را قذغن می نماید. **یک. خودکشی، قتل است.** فرمان ششم خودکشی را قذغن می کند چون مفعول فعل کشتن مشخص نشده است. **دو. قتل و حکم مرگ.** عهد عتیق قانونی بودن حکم مرگ را تأیید می کند. در لاویان ۲۴: ۱۷ نوشته شده " هر که

انسانی را بکشد باید کشته شود". مجازات قتل عمد مرگ بود. قتل عمد را نمی توان با پرداخت پول یا زندانی شدن جبران کرد. زیرا اعداد ۳۵: ۳۱ می گوید، " هر وقت کسی قاتل شناخته شد باید کشته شود و خونیهایی برای رهایی او پذیرفته نشود". مجازات آدم ربایی، مرگ بود. در خروج ۲۱: ۱۶ نوشته شده، " هر کس انسانی را بدزد، خواه او را به غلامی فروخته و خواه فروخته باشد باید کشته شود". اگر بر اثر بی توجهی کسی کشته می شد او مقصر شناخته می شد. برای مثال اگر این شخص به دور پشت بامش دیوار نمی کشید و کسی می افتاد و می مرد او باید مجازات می گردید (تثنیه ۲۲: ۸). یا همینطور اگر او حیوان خطرناکی را با طناب نمی بست و کسی کشته می شد (خروج ۲۱: ۲۸-۳۲) او مقصر این مرگ بود و باید کشته می شد. بهرحال مجازات مرگ شامل قتل غیر عمد نمی شد (خروج ۲۱: ۱۲-۱۳). وقتی در شرایط دفاع از خود کسی کشته می شد مجازات مرگ شامل این قتل نمی شد. در خروج ۲۲: ۲ نوشته شده، " اگر دزد به هنگام شب در حین عمل دزدی کشته شود کسی که او را کشته است مجرم شناخته نمی شود". عهد جدید قانونی بودن مجازات مرگ را تأیید می کند. در رومیان ۱۳: ۳-۴ ما می خوانیم، " زیرا فرمانروایان باعث وحشت نیکوکاران نیستند بلکه بدکاران باید از آنها بترسند. آیا میخواهی از زمامداران ترسی نداشته باشی؟ در اینصورت نیکی کن و او ترا خواهد ستود. چونکه او خادم خدا است و برای خیریت تو کار میکند اما اگر کار نادرست انجام دهی از او هراسان باش زیرا او بی سبب صاحب شمشیر نیست بلکه خادم خداست تا غضب خدا را در مورد خطاکاران اجرا نماید". شمشیر در اینجا به حق دولت در مجازات فرد مجرم اشاره میکند. سه. انتقام قانون جزایی عهد عتیق درباره زخمی شدن عبارت بود از: چشم بعوض چشم، دندان بعوض دندان، دست بعوض دست، پا بعوض پا، داغ بعوض داغ، زخم بعوض زخم و ضرب بعوض ضرب. (خروج ۲۱: ۲۳-۲۵). در عهد جدید بطور کامل قانون جزایی عهد عتیق را دگرگون کرد. در متی ۵: ۳۸-۴۲ او می گوید، " اگر کسی به تو زور گوید با او مقاومت نکن، حتی اگر به گونه راست تو سیلی زند، با او مقاومت نکن حتی اگر به گونه راست تو سیلی زند، گونه دیگری را نیز پیش ببر تا به آن نیز سیلی بزند. اگر کسی تو را به دادگاه بکشاند تا پیراهنت را بگیرد عیای خود را نیز به او ببخش. اگر کسی تو را مجبور کند که باری را به مسافت یک میل حمل کنی تو دو میل حمل کن". این تعلیم عیسی نشان می دهد که تنها قسمتهایی از تعالیم اخلاقی عهد عتیق در عهد جدید اعتبار دارد.

(T) فرمان هفتم می گوید، " زنا نکن". فرمان هفتم از نهاد خانواده حمایت می کند و هر نوع گناهان جنسی را قدغن می کند. یک. در عهد عتیق قوم خدا باید بر این قانون تأکید می کردند. مجازات گناهان جنسی قبل از ازدواج مرگ بود (تثنیه ۲۲: ۲۰-۲۱). مجازات گناهان جنسی بعد از ازدواج هم مرگ بود. هر دو طرف مرتبط با این مسائل باید کشته می شدند (تثنیه ۲۲: ۲۲). لایوان ۱۸ روابط جنسی با محارم، هم جنس و حیوانات را قدغن می کند (آیه ۶، ۲۲، ۲۳) و لایوان ۲۰ مجازات تمام این اعمال را مرگ اعلام می کند (آیه ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۷). دو. در عهد جدید خود خدا بر این قانون تأکید می کند. خدا خودش خاطیان نسبت به فرمان هفتم را مجازات میکند. در عبرانیان ۱۳: ۴ نوشته شده، " به ازدواج خود و به عهد و پیمانی که بسته اید وفادار باشید و پیوند زناشویی تان را از آلودگی دور نگاه دارید زیرا خدا افراد فاسد و زناکار را حتما مجازات خواهد کرد". گناهان جنسی هر نوع روابط جنسی قبل از ازدواج است. زنا هر نوع روابط جنسی گناه آلود در زمان رابطه زناشویی است. بنابراین کتاب مقدس تمام گناهان جنسی قبل از ازدواج و خارج از ازدواج قانونی را رد می کند. روابط جنسی تنها در داخل یک ازدواج قانونی مجاز است. امروز خدا کسانی که فرمان هفتم را می شکنند با ایدز و بیماریهای دیگر مجازات می کند.

(S) فرمان هشتم می گوید، " دزدی نکن". فرمان هشتم بر اهمیت احترام به اموال دیگران تأکید می کند. یک. مالک و مباشر. خدا تنها مالک همه اموال است (اول تواریخ ۲۹: ۱۱-۱۲) و لوقا ۱۶: ۱۶ تعلیم می دهد که ما مباشران یا مدیران اموال خدا بر زمین هستیم. دو. دزدی. خدا دزدی، سرقت و حقه بازی را قدغن می کند (لایوان ۱۹: ۱۱، ۱۳، ۳۵، ۳۶). سه. جبران خسارت. مجازات برای دزدی جبران خسارت بود. دزد باید دو برابر اموال دزدیده را به صاحب اصلی اش برگرداند. در صورتیکه دزد به اموال دزدی شده صدمه زده باشد باید ۴ یا ۵ برابر ارزش اصلی آنرا بپردازد (خروج ۲۲: ۱-۱۵). چهار. کار کردن و تقسیم کردن. در عهد جدید به کسانی که قبلاً دزد بودند دستور داده شده تا با دستانشان کار کنند و حتی یاد بگیرند تا اموالشان را با افراد نیازمند دیگر تقسیم کنند (افسیان ۴: ۲۸).

(T) فرمان نهم می گوید، " شهادت دروغ نده". فرمان نهم بر اهمیت خوشنامی، مردم تأکید می کند. کسی نباید دروغ می گفت یا خبر دروغی را پخش می کرد (خروج ۲۳: ۱). شخصی که شهادت دروغی داده بود باید مطابق همان نقشه ای که برای دیگری داشت مجازات می شد (تثنیه ۱۹: ۱۸-۱۹). عهد عتیق و عهد جدید شایعات و تهمت های شریانه و غیبت و سخن چینی را قدغن می کند.

(S) فرمان دهم می گوید، " طمع مورز". فرمان دهم آرزوها و جاه طلبی های غلط را قدغن میکند.

(T) نکته پنجم. دیدگاه عهد جدید از شریعت یا قانون.

تقسیم قانون عهد عتیق به سه بخش: قانون تشریفاتی، مدنی و اخلاقی بدین معنا نیست که در قوانین ذکر شده همیشه این طبقه بندی روشن بوده است. در عهد عتیق گاهی این قوانین ترکیبی بودند. قانون تشریفات یا مراسم در عیسی مسیح انجام شد و دیگر کاربرد آن برای مسیحیان به پایان رسیده است. قانون مدنی برای قاعده مند کردن زندگی مدنی قوم و کشور اسرائیل وضع شده بود و به همین شکل کاربرد آن برای مسیحیان به پایان رسیده است. اما هر دو گروه قوانین تشریفاتی و مدنی شامل اصول مذهبی و اخلاقی می شود که متعلق به قوانین اخلاقی می باشد. بعضی از جنبه های قانون اخلاقی هنوز برای مسیحیان کاربرد دارد و بقیه دیگر کاربردی ندارد. برای مثال، کاربرد جنبه تشریفاتی فرمان چهارم درباره نگاه داشتن روز سبت برای مسیحیان دیگر به پایان رسیده است. بعلاوه قوانین اخلاقی بسیار دیگری بجز قوانین ده فرمان در عهد عتیق وجود دارد مثل قانون محبت کردن خدا و همسایه مثل نفس خود.

اول. عیسی قوانین اخلاقی را نگاه داشت.

در زمان عیسی، معلمین یهودی معنی قانون عهد عتیق را بوسیله اضافه کردن بسیاری از قوانین ساخته و پرداخته خود، آنچنان عوض کرده بودند که دیگر قابل تشخیص نبود. معلمین و رهبران مذهبی یهود یوغی را بر شانه های مردم گذاشته بودند که شامل ۶۱۳ قانون می شد که ۳۶۵ مورد آن نهی امور ممنوع و ۲۴۸ مورد هم احکام بود. بعلاوه آنها نگاه داشتن شریعت یا قانون را شرطی برای نجات ساختند. هم عیسی و هم پولس این دیدگاه و این استفاده از قانون را رد کردند. آنها بر کاربرد قانون طبق هدف اصلی خدا، تأکید نمودند. در متی ۵: ۱۷ عیسی می گوید، "گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی و نوشته های سایر انبیاء را منسوخ کنم من آمده ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم". عیسی سپس تعلیم می دهد که این قوانین را در زمان عهد جدید چگونه باید به درستی درک کرد و بکار برد. برای مثال در متی ۵: ۲۱-۲۶ او توضیح می دهد که معنای ششمین فرمان که می گوید "قتل مکن" این است: که درک درست و کاربرد درست این قانون فقط به، به قتل رساندن کسی محدود نمی شود بلکه حتی شامل کشتن احساس و آبروی کسی از روی خشم هم می گردد. در متی ۵: ۲۷-۳۰ او فرمان هفتم را توضیح می دهد "زنا نکن" مجدداً درک و کاربرد درست این فرمان محدود به عمل گناه آلود جنسی نمی شود بلکه شامل افکار درونی و تصورات درباره امور جنسی گناه آلود هم می گردد.

(S) دوم. پولس رسول بر قانون اخلاقی تأکید می کند.

در رومیان ۷ او می گوید، "شریعت بخودی خود کاملاً خوب و مقدس و منصفانه است... شریعت روحانی است... طبیعت تازه ام مایل است خواست خدا را انجام دهد" (۱۲، ۱۴، ۲۲). اما پولس شریعت را آنچنان که معلمین و رهبران مذهبی یهودی تفسیر می کردند و آنرا وسیله ای برای بدست آوردن حیات جاودان می دانستند رد می کرد. رومیان ۳: ۲۸ می گوید، "پس ما بوسیله ایمان به عیسی مسیح نجات پیدا می کنیم و در حضور خدا بی گناه بحساب می آییم نه بسبب کارهای خوب خود یا انجام تشریفات مذهبی". همچنین پولس تعلیم می دهد که ما مسیحیان از قدرت و لعنت محکوم کننده شریعت آزاد شده ایم (غلاطیان ۳: ۱۳). زیرا حتی یک نفر هم نمی تواند شریعت را نگاه دارد. شریعت یک لعنت بود یعنی همه انسانها را مستحق نابودی می ساخت. نجات در عیسی مسیح مردم را از این لعنت آزاد می سازد.

(T) سوم. پولس نقش های متفاوت قانون اخلاقی را تعلیم می دهد.

یک. شریعت، نقش یک آینه را بازی می کند. شریعت به ما تعلیم می دهد که بدانیم گناه چیست. در رومیان ۳: ۲۰ او می گوید، "شریعت فقط چشمان ما را باز می کند تا گناهان خود را ببینیم".

دو. شریعت یا قانون، مثل یک ذره بین عمل می کند. شریعت به ما کمک می کند تا تشخیص دهیم گناهان ما چقدر بزرگ و چقدر زشت هستند. در رومیان ۵: ۲۰ او می گوید، "ده فرمان به این دلیل عطا شد تا بر تمام مردم مسلم شود که تا چه حد احکام خدا را زیر پا گذاشته اند".

سه. قانون مثل یک قاضی عمل می کند. قانون ما را بعنوان گناهکار محکوم می کند و در مقابل خدا ملزم به پاسخگویی می نماید. در رومیان ۳: ۱۹ او می گوید، "هیچکس نخواهد توانست برای بی ایمانی و گناهان خود عذر و بهانه ای بیاورد. در حقیقت تمام مردم دنیا در برابر تخت داوری خدای قادر مطلق، مقصر و محکومند".

چهار. قانون مثل یک معلم مدرسه عمل می کند. شریعت نیاز ما به مسیح و عدالت او را به ما نشان می دهد و ما را بسوی منجی مان هدایت می کند. در غلاطیان ۳: ۲۴ او می گوید، "احکام الهی وظیفه داشتند ما را بسوی مسیح رهبری کنند". شریعت از انسانها می خواهد که انجیل را قبول کنند و به عیسی مسیح ایمان آورند.

پنج. قانون مثل یک راهنما عمل می کند. شریعت به مسیحیان می گوید قوم خدا چگونه باید زندگی کنند. آنها باید زندگی تازه خود را از طریق محبت ابراز کنند. در رومیان ۱۳: ۸-۱۰ او می گوید، "با محبت کردن به دیگران در واقع از احکام الهی اطاعت کرده اید". شریعت از مسیحیان می خواهد که زندگی شان با حق شناسی نسبت به خدا همراه باشد. همینطور با دستورات الهی هماهنگ باشد.

شش. شریعت یا قانون چون یک مانع عمل می کند. قانون، گناه را در جهان مقید می سازد. در اول تیموتائوس ۱: ۹-۱۱ پولس می گوید، " احکام به ما که بوسیله خدا نجات یافته ایم مربوط نمی شود بلکه برای قانون شکنان، جنایتکاران، خدانشناسان، گناهکاران و بی دینان است. برای آنانی که پدر و مادر خود را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و آدم می کشند ". شریعت باید معیاری را برای عدالت در جهان بوجود آورد.

(S) **چهارم. عیسی قانون اخلاقی را در کلمه محبت خلاصه می کند.**

در مرقس ۱۲: ۲۹-۳۱ او می گوید، " مهمترین فرمان این است که خداوند را با تمام قلب و جان و فکر و نیروی خود دوست بدار دومین فرمان مهم این است، دیگران را به اندازه خودت دوست داشته باش. هیچ دستوری مهمتر از این دو نیست ". در ده فرمان چهار فرمان اول دستورات مشخصی است که ما چطور باید خدا را محبت کنیم و ۶ فرمان بعدی دستورات مشخصی است که ما چطور باید همسایه خود را محبت نماییم. در رومیان ۱۳: ۸-۱۰ پولس همچنین می گوید که محبت تکمیل کردن شریعت است. او می گوید، " تمام بدهی های خود را بپردازید تا به کسی مدیون نباشید. فقط خود را مدیون بدانید که مردم را محبت کنید. هرگز از محبت نمودن باز نایستید زیرا با محبت کردن به دیگران در واقع از احکام الهی اطاعت کرده اید و خواست خدا را بجا آورده اید ". احکام؛ زنا مکن، قتل نکن، دزدی نکن، طمع مورز و سایر احکام در این قانون واحد خلاصه می شود که " همسایه خود را چون دوست بدار ". محبت هرگز به همسایه خود آسیبی نمی رساند. بنابراین محبت تحقق شریعت می باشد. در حالیکه شریعت در عهد عتیق اغلب بصورت جملات منفی بیان می شد مثل: " از همسایه خود دزدی نکن و او را نکش ". عیسی و پولس شریعت را به شکل مثبت بیان می کردند: " همسایه خود را با مراقبت از اموال و جاننش محبت نما ". محبت باید بگونه ای باشد که تمام احکام تحقق پذیرند.

(T) **پنجم. عیسی قانون اخلاقی را با معیار قرار دادن محبت خود به اوج رساند.**

در یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵ او می گوید، " پس حال دستوری تازه به شما می دهم یکدیگر را دوست بدارید همانگونه که من شما را دوست می دارم محبت شما به یکدیگر به جهان ثابت خواهد کرد که شما شاگردان من می باشید ". در این نمونه محبتی که عیسی می دهد چه نکته جدیدی وجود دارد. عیسی مسیح برای انجام شریعت نمونه ما می باشد. تنها معیار سنجش اطاعت از شریعت، محبت مسیح به ما است. ما شریعت را نه با محبت ساده ای به دیگران بلکه با محبت الهی همچون محبت عیسی، انجام می دهیم. این تنها وقتی ممکن می گردد که روح القدس در قلبهای ما زندگی کند. بطوریکه او به ما کمک می کند تا فرامین خدا را انجام دهیم و بتوانیم آنطور که او می خواهد زندگی کنیم. در رومیان ۵: ۵ ما می خوانیم، " زیرا خدا روح القدس را به ما عطا کرده تا دلهای ما را از عشق و محبتش لبریز سازد ". هدف زندگی مسیحی اطاعت از مسیح است (اول پطرس ۱: ۲) و تا از دید خدا یک زندگی بی سرزنش و مقدس داشته باشیم (افسیان ۱: ۴). خلاصه انجام شریعت، مسیحیان را نجات نمی دهد بلکه آنها باید بخاطر قدرشناسی نسبت به خدا قانون اخلاقی را اطاعت کنند. زیرا آنها نجات را بوسیله عشق و محبت به عیسی مسیح بدست می آورند.

(S) **تکلیف برای هفته آینده**

اول. یکی از قوانین اخلاقی را انتخاب کنید و آن را از روی حق شناسی به آنچه خدا برایتان انجام داده است، بکار برید. به برنامه فردا با عنوان، " کار خدا بوسیله مرگ و قیام ما " گوش کنید. ما طبیعت گناه و آنچه بعد از مرگ رخ می دهد را بررسی خواهیم کرد.

دوم. کتابهای دستورعمل " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش کنید.